

همراه با بهار جوان شناسی

<?xml encoding="UTF-8?">

جوان

واژه جوان، در لغت تداعی کننده توانایی، بالندگی، اقتدار، سلامت، شادابی، سرور، سرزندگی، حرکت، فعالیت، جنب و جوش، صداقت و احساسات و نیز قطاری از این واژه های زنده است. جوانی در حقیقت دورانی از عمر است که از فرصت ها و توان ها آکنده می نماید؛ یعنی اوج توانمندی انسان در این سنین می گذرد. شاید در مقام تشبیه بتوان این دوران را در قالب این تمثیلات پررنگ تر مطرح کرد:

از منظر و نگرش طبیعی، جوان یعنی رأس قله زندگی؛ از منظر زیبایی و زیبایی شناسی، جوان یعنی گلستان و دوران شکوفه دهی زندگی، از وجه تمثیل به دریا، جوان یعنی موج و برخاستن؛ از منظرگاه هوش و توان و استعداد، جوانی یعنی دوران بالاترین کشف ها و شدن ها؛ و از منظرگاه حرکت و روان شدن، جوان یعنی بالاترین سرعت و رسیدن به اهداف.

جوانی؛ چهارمین فصل زندگی

دفتر زندگی فصل هایی دارد؛ نوباوگی، کودکی، نوجوانی و جوانی. جوانی که چهارمین فصل از دفتر زندگی انسان است، همانند بهاری زیبا، روح بخش و پرتنوع است و با لذت های گوناگونی همچون تفریح، گفت و گوها، آراستگی ظاهری، نشست های خاطره آفرین و شیرین همراه است تا در آن، شخصیت، بینش ها و گرایش های انسان پخته شود و شکل گیرد. به دنبال این مرحله، انتخاب های فرد یکی پس از دیگری فرا می رسد، بنیان آینده استحکام می یابد و بنیادهای فکری - فرهنگی با تبلوری خاص رخ می نماید.

جوانی؛ بهار عمر

در میان فصل های مختلف زندگی انسان، جوانی از تمام جهت ها اهمیت فراوانی دارد. نقش این دوره در ساختار زندگی فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسان بسیار حساس است و بنیان های اساسی شخصیت هر فرد در این دوره به شکل نهایی خود می رسد. در حقیقت، این دوره بهار عمر است و عقل و دین مقدس اسلام بر اهمیت آن تأکید می ورزند. با فرا رسیدن بهار عمر، نه تنها بدن قوی و نیرومند می گردد و عواطف و احساسات شکفته می شود، بلکه شکوه جوانی، به منزله زینت گران بها و پرفروغی به صاحبش زیبایی و کمال می بخشد.

فصل شکفتن

روزهای جوانی، رسیدن به بلندترین و والاترین جایگاه های زندگی است. روح جوانان پر از آرزو و سرشار از عشق و امید است. پیش از دوران جوانی، کودک ناتوان پیوسته به سوی نیرومندی پیش می رود و هر سال قوی تر می

شود تا به سرمنزل کمال یعنی جوانی و اوج قوت برسد؛ البته پس از دوران طلایی جوانی، دوباره به سوی فرسودگی و ناتوانی گام برمی دارد.

ویژگی های هیجانی جوان

برخی از صاحب نظران، دوره جوانی را دوران پختگی، یا مرحله ای می نامند که استعدادها و توانایی های بالقوه آدمی به رشد کامل می رسد. آنها معتقدند فرایندهای اساسی که در دست یابی پختگی هیجانی دخالت دارد، عبارت است از: اعتماد به نفس، برداشت روشن از واقعیت های جامعه، کنترل پرخاشگری، هدف های عقلانی و برداشت درست از توانایی های خود. همچنین، جوان از نظر آرمانی باید مستقل و متکی به خود بوده، خواسته هایش را به منظور هماهنگ کردن آنها با نیازها و آرزوهای دیگران به نحو شایسته مهار کند. رفتار جوان باید به نسبت قابل پیش بینی بوده، نیازهای شخصی اش در خصوص موازین اخلاقی، معقول و قابل تعدیل باشد، نیز آگاهی از امکانات و محدودیت ها و ارتباط و تأثیر آنها بر روی کار، بازی و استراحت، نقش مهمی در زندگی آینده جوان ایفا می کند.

درخشان ترین گوهر معرفت

جوان، نوگرا و تأثیرپذیر است. او همواره می کوشد محیط اطراف را هم رنگ ذهنیت خودسازد، جامعه را با آرمان هایش همسو کند و بر فکر و اندیشه تازه اش مهر تأیید زند. جوان آسیب پذیر و عاطفی است. احساس و عاطفه، نهال وجودش را در مقابل توفان عشق های کاذب، آسیب پذیر می کند. جوان الگوپذیر و جستجوگر است. او در پی آن است که خود را در کسی پیدا کند یا خویش را چنان در الگویش فانی سازد که همچون او بگوید و زندگی کند. جوان لبریز از جوشش و نیروست. او دوست دارد آنچه در ظرف وجودش موج می زند، به کرانه های زندگی هدایت کند و به فکر، فرهنگ و آداب جامعه بقبولاند. جوان آرمان خواه و پندارگر است. در فردا به سر می برد، با آرزوهایش زندگی می کند و همواره در ذهنش آینده خویش را به تصویر می کشد. جوان خودنگر و خودباور است. او خود را می بیند و خود را می آراید و متاع علم و فرهنگ و هنر خویش را عرضه می کند.

جوانی؛ دوره توانمندی

در آیه 54 سوره مبارکه روم، عمر انسان برای زندگی در این دنیا به سه دوره تقسیم شده است که با ناتوانی آغاز می شود و دوباره به ناتوانی برمی گردد. در میان این دو دوره ناتوانی که همان کودکی و پیری است، دوره توانمندی و جوانی قرار دارد. در این آیه می خوانیم: «پروردگارتان کسی است که شما را در آغاز از جسمی ناتوان (نطفه) بیافرید. آن گاه پس از ناتوانی (کودکی)، شما را توانا کرد و دوباره از توانایی و نیروی جوانی به سستی پیری برگرداند».

عمر انسان در یک نگاه

خداوند در قرآن کریم هنگام ترسیم وضعیت زندگی دنیا، دوره های گوناگون آن و انگیزه های حاکم بر هر دوره

چنین می فرماید: «همانا بدانید که زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تفاخر در میان شما و افزون خواهی در اموال و فرزندان است». بنابراین، ناآگاهی، سرگرمی، خویشتن آرای، فخرفروشی و تکاثر، دوران های پنج گانه عمر آدمی را تشکیل می دهد:

1. کودکی: آدمی در این دوره در هاله ای از غفلت و بی خبری و بازی فرو می رود.
2. نوجوانی: سرگرمی جای بازی را می گیرد و انسان در پی مسائلی است که او را به خود سرگرم سازد و از مسائل جدی دور دارد.
3. جوانی: دوران شور و عشق و تجمل پرستی است و آدمی در این دوره به آرایش و زندگی می پردازد.
4. میانسالی: دوران به دست آوردن مقام و فخر است و امور پیشین او را قانع نمی سازد.
5. پیری: دوران افزایش مال و فرزندان است.

جوانی در آینه معرفت

در بهار جوانی، بنیان شخصیت ها استحکام می یابد و فردا و فرداهای زندگی ترسیم می شود. در این دوران، از نیروی اندیشه و تدبیر کمتر استفاده شده و آثار و برکات جوانی در هاله ای از غریزه ها پوشیده می ماند. به همین دلیل این تحفه الهی، برای ناآگاهان نوعی جنون دانسته شده است. جوانی دوره ای ارزشمند است که فقط کسانی که آن را از دست داده اند، به ارزشش پی می برند.

کیمیای گونه بودن جوانی در سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این شکل پدیدار می شود که آن حضرت، جوانان را به پختگی، اندیشمندی و استفاده از تجربه دیگران فراخوانده و در سخنی کوتاه، بلندای این حقیقت را به این صورت آشکار می سازد که: «بهترین جوانان شما کسی است که پیشه پیران در کارآزمودگی، احتیاط و هوشمندی باشد، و بدترین پیران شما کسی است که همچون جوانان شتابزده، پرهیجان و غافل عمل کند».

گرایش به نیکی

یکی از ویژگی های نیکو در دوره جوانی، گرایش به هرگونه خیر و نیکی است. تلاش برای به دست آوردن صفات پسندیده و آموختن دین، از جمله نیکی هایی است که جوان به آن گرایش دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اطرافیان خود درباره جوانان سفارش کرده و می فرماید: «به شما سفارش می کنم با جوانان به خوبی و نیکی رفتار کنید؛ چرا که آنان نازک دل ترند. وقتی خداوند مرا به پیامبری برانگیخت، جوانان به من گرویدند و یاری ام کردند، و بزرگسالان به مخالفت برخاستند».

همچنین نقل شده که یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام که برای تبلیغ احکام به بصره رفته بود، هنگام بازگشت به مدینه، به آن حضرت از کم علاقه گی مردم به آموختن احکام خبر داد. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: این امر طبیعی است؛ زیرا بسیاری از مردم گرفتار دنیا هستند. شما باید به جوانان بپردازید که هنوز گرفتار دنیا نشده اند: «بر شما باد به پرداختن به جوانان؛ زیرا آنان نسبت به دیگران در انجام کارهای نیک شتاب بیشتری دارند».

جوانی و پاکی نفس

پاکی، از مهم ترین ویژگی های دوره جوانی است. بنابراین، جوانی را باید بهترین دوره زندگی انسان دانست که در آن می توان با تزکیه نفس، به قرب الهی رسید و پیش از فرا رسیدن پیری و هجوم دل بستگی های گوناگون به آدمی، خود را با اخلاق نیکو آراست. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «برتری جوان عابدی که در جوانی راه بندگی پیش گرفته است، بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده، همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است».

جوان و دین اسلام

اسلام به جوانان اهتمام ویژه ای دارد و در مورد شیوه برخورد با آنها فراوان سخن گفته است. حضرت صادق علیه السلام در این باره فرمود: «آیا نمی دانی که خداوند متعال احترام خاصی برای جوانان شما قائل شده است؟» امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز می فرماید: «قلب جوانان مثل زمین خالی و آماده بهره برداری برای کشت است که هر چه در آن کاشته شود، محصول می دهد» نیز در احادیث دیگری آمده که قلب جوانان، آماده تر از قلب بزرگسالان است و جوان زودتر حق را می پذیرد.

جوانان همواره موضوع اصلی مکتب تربیتی انبیای الهی بوده اند و انقلاب های پیامبران، معمولاً با پشتیبانی این نسل به نتیجه رسیده است. در آغاز دعوت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، بیشتر پیروان حضرت را جوانان تشکیل می دادند. این نشان می دهد که فطرت جوانان پاک و دست نخورده است و آنها ضمن پذیرش سریع حق، حاضر به تحمل هر گونه سختی و دشواری بوده و هستند.

جوان و بندگی

نشان بندگی، نشانی است زرین که مایه افتخار و خوش بختی صاحب آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «دوست داشتنی ترین آفریده ها نزد خداوند متعال، جوانی است زیبارو که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و طاعت او قرار دهد. پروردگار به چنین شخصی بر فرشتگان می بالد و می فرماید: همانا که این نوجوان و جوان، بنده من است».

جوانی، فرصت زودگذر

دوره جوانی ارزش فراوانی دارد و به فرموده حضرت علی علیه السلام این ارزش شناخته نخواهد شد مگر هنگام از دست دادن آن. آن حضرت در سخنی زیبا فرمودند: «دو چیز است که کسی آنها را قدر نمی داند، مگر پس از نبود آن؛ یکی جوانی است و دیگر سلامت و تندرستی». پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نیز در توصیه ای خطاب به جوانان فرمودند: «چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت شمار: جوانی ات را پیش از پیری، سلامت را پیش از بیماری، بی نیازی ات را پیش از تهیدستی، و زنده بودن را پیش از مرگ».

پویایی ذهن

ذهن جوان به سرعت دگرگون می شود. این دگرگونی از دوره نوجوانی آغاز شده، در فراز و نشیب زندگی، چهره ای عقلانی به خود می گیرد. عقل در 28 سالگی به کمال می رسد. حضرت علی علیه السلام در حدیثی که به بیان دوره های تکامل و رشد انسان پرداخته، کمال رشد انسان را در 28 سالگی و پایان دوره جوانی دانسته است. در دوره نوجوانی، ارزش ها وقتی ادراک می شود که در نمونه های انسانی و قالب اشخاص مجسم شوند، ولی تخیل نیرومند جوان، او را از مرحله شگفتی به مرحله ادراک ارزش ها می رساند. توانایی حافظه نیز در این دوره رشد می کند؛ زیرا حافظه یک استعداد است و بدین گونه، جوان می تواند مسائل را حفظ نماید.

جوان و نوآفرینی

قدرت تخیل در جوان در اوج است و در پرتو این نیرو، بسیاری از دشواری ها برای او حل می شود. قدرت تخیل، توان نظریه پردازی را به جوان می دهد و او می تواند به جست و جوی جنبه های گوناگون مسائل بپردازد. جوان در پرتو تخیل، دنیایی زیبا را در آینده ای نزدیک برای خود تصویر می کند و این وضعیت، بسیاری از دردهای درونی او را کاهش می دهد. این حالت روانی، قوه تخیل را توسعه می دهد و به ذهن جوانان، نیروی خلاق می بخشد. نیز حس نوآوری را در ضمیر جوانان بیدار می سازد و آنان را برای نوسازی و به دست آوردن کمال های تازه تر آماده می کند.